



عنوان و نام بیداور : دام خرافات و کمند رهایی از آن:
نگاهی به دیدگاه‌های روشنگرانه رهبر معظم انقلاب درباره خرافه‌گرایی/
گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

فروست : رهنما.

شابک : 978-600-6543-71-0

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره خرافات

موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیامها و سخنرانیها

موضوع : خرافات (اسلام)

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی . معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP/۲۷۲۸ ۱۳۹۱ ۴۵۲/خ

رده بندی دیویی : ۷/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۶۶۹۱۴



۴۲ — دام خرافات و راه رهایی از آن نگاهی به دیدگاه‌های روشنگرانه رهبر معظم انقلاب، درباره خرافه‌گرایی

نویسنده: احمد قاسمی

آستان قدس رضوی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ pasokhgoo@razavi.tv

به‌کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمدمهدی باقری

طراح جلد: علی بیات

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی



﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





دام خرافات و کمندِ رهایی از آن

نگاهی به دیدگاه‌های روشنگرانه رهبر معظم انقلاب، درباره خرافه‌گرایی

- ؟: خرافه چیست و ردّ پایش در تاریخ مسیحیت و اسلام، تا کجاها دیده می‌شود؟
- ؟: ضرورت خرافه‌زدایی در نظرگاه قرآن و پیامبر ﷺ چیست و راهکارهای آنان کدام است؟
- ؟: با انواع خرافه‌گرایی، خصوصاً بدعت‌های رایج در عزاداری‌ها، آشنا شویم.
- ؟: خرافات و بدعت‌ها، مثلاً عمل زشتی مانند قمه‌زدن، چه آثار مخرب‌بی بر چهره شیعه، در بُعد جهانی، می‌گذارد؟
- ؟: اگر کسی را مدّعی ارتباط با امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه و عالم غیب دانستند، چرا باید او را تکذیب کرد؟
- ؟: بزرگان و عالمان شیعه در راه ریشه‌کنی و رفع خرافات و ادّعاهای دروغ‌گویان، چه تلاش‌هایی کرده‌اند؟



اشاره

خرافات در دین اسلام امری مردود است و یکی از اقدامات مهم پیشوایان دینی، در دوران رسالت و امامتشان، مبارزه با جهالت، خرافه و انحراف بوده است. جدال با تفسیرهای ناسازگار از دین، همچنان سرلوحه همّت‌هایان امت است و در نظام جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه به‌عنوان رکن رکن قانون اساسی، در صف اول پیکار با جهالت و نادانی قرار دارد. آنچه در ادامه می‌آید، مروری بر بیانات رهبری درباره خرافه‌گرایی است که از نظر شما می‌گذرد.^۱

۱. این نوشتار به‌نقل از نشریه سراب، ضمیمه روزنامه جام‌جم، مرداد ۱۳۸۸، تقدیم می‌شود.

۱. ماهیت و تعریف خرافه



بعضی هستند که حقایق دینی را به‌عنوان خرافه انکار می‌کنند؛ آن‌ها را کاری نداریم. آنچه با کتاب و سنتِ مُتَقَن و معتبر ثابت شده است، این برای دین است؛ چه عقول بپذیرند یا نپذیرند. از این، حمایت و دفاع کنید. آنچه با دلیل معتبر ثابت نشده است و معارضه‌ای با مبانی و اصول دین ندارد، در مقابلِ آن سکوت کنید. آنچه معارضه‌ای با یکی از اصول دین داشته و مدرک معتبری ندارد، آن را رد کنید: این می‌شود خرافه. معیار خرافه این است.

امروز شما ببینید مدّعیان ارتباط با امام‌زمان عجل‌الله‌فرجه و مدّعیان ارتباط با غیب، در جامعه، با شکل‌های مختلف کار می‌کنند. البته این نشانه‌ی این است که گرایش به دین، عنصری اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دینی علاقه دارند که آدمِ خرافه‌ساز می‌رود و خرافه می‌سازد. چون کالای اصلی در دست او نیست، کالای تقلّبی را به‌میدان می‌آورد، برای اینکه مردم را جذب کند؛ این نشانه‌ی گرایش مردم به دین است.

در مقابله با خرافات و در مقابله با آن چیزهایی که از دین نیست، باید ایستاد او تذکر



داد. [ملاحظه اینکه حالا کسی بدش بیاید [جایز نیست] و غالباً در مواردی، متأسفانه، انسان می‌بیند که این مراعات‌ها وجود دارد.^۱



۲. تاریخچه خرافه‌گرایی



۱-۲ خرافه در همه دوران‌های بشری: اگر کسی تاریخ را ملاحظه کند، خواهد دید که در آن دوران، همه بشریت اسیر بودند؛ همان‌طور که در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است که «فِي فِتْنٍ دَاسَتْهُمْ بِأَخْفَافِهَا وَ وَطَّتَهُمْ بِأَظْلَافِهَا وَ قَامَتْ عَلَى سَنَابِكِهَا». در نهایتِ فتنه و فشار و مشکلات و برادرکشی، بشر زندگی تلخی را می‌گذراند. «نَوْمُهُمْ سُهْوٌ»، در همین خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «خواب راحت به چشمِ مردم نمی‌آمد.»

اشتباه است اگر کسی خیال کند که این مشکلات، مخصوص همان جزیره العرب بوده است؛ نه. در مهد تمدن آن روز دنیا، یعنی در کشور روم هم که شما نگاه می‌کنید، همین حرف‌ها بود. آنجا هم که آن روز، به اصطلاح، ادعا می‌کردند دمکراسی و مجلس سنا دارند، استعدادها و فسادهایی بر مردم حاکم بود که شما وقتی کتاب آن را بخوانید، خجالت می‌کشید.

انسان شرم می‌کند که بشر در روزگاری، دچار چنین انحطاطی بوده است. ایران باستان



ما هم، از این جهت، بهتر از روم نبود: این‌ها قدرت و شمشیر و نیزه و جنگاوری و سلحشوری و از این چیزها داشتند؛ اما، اختلاف طبقاتی و ظلم و تبعیض و فساد و زورگویی و جهل و خرافه هم، بی‌حد و اندازه داشتند.^۱

۲-۲ خرافه‌گرایی در دین مسیحیت: قرون وسطی فقط دوران جهالت و بدبختی اروپاست و تعمیم‌دادن آن به دنیا، چیزی از حقیقت کم نمی‌کند؛ زیرا در همان زمان، یعنی قرن‌های چهارم و پنجم و ششم هجری، کشورهای اسلامی و در رأس همه آن‌ها، ایران، در اوج شکوفایی تمدن اسلامی قرار داشتند. بنابراین دین، مانعی در راه علم محسوب نمی‌شود و آنچه مانع از پیشرفت علمی در اروپا شد، جهالت‌های گوناگون و خرافات منتسب به



مسیحیت بود. در دوره اسلامی، هیچ‌گاه یک عالم به جرم علم، مورد اهانت قرار نگرفت؛ اما در اروپا، به جرم علم، عده‌ای را کشتند، دار زدند، سنگسار کردند یا به آتش کشیدند. عالمان و دانشمندانِ بزرگ در ایران، به‌جز موارد بسیار معدودی، در زمره علمای بالله هستند. در این کشور، علم و دین با هم پیش رفته‌اند و دین در بازکردن راه پیشرفت، به علم کمک کرده است. کسانی که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به مدارج بالای علمی در سطح جهان دست یافتند، عموماً با قرآن کریم مأنوس و با مسائل دینی آشنا بوده‌اند.^۱

۲-۳ خرافه‌گرایی در جامعه غرب: در دو قرن اولِ تجدید حیات صنعتی اروپا که به علم روی آورده بودند، تصور این شد که دین از دنیا رفت. این تفکراتی که امروز می‌بینید بعضی



از تازه‌رسیده‌های به میدان فکر و اندیشه و سیاست بر زبان جاری می‌کنند، این‌ها حرف‌های قرن نوزدهمی فیلسوفان و سیاستمداران اروپاست.

آن‌ها خیال می‌کردند که دین تمام شد! تجربه آن‌ها این را نشان می‌داد که دینِ آلوده به خرافات و آمیخته به تاریکی‌ها، در مقابلِ هجوم علم، نتوانست طاقت بیاورد؛ ذوب شد؛ از بین رفت. این‌ها تصور کردند که دین در میان بشر، هر جا هست، مثل همان چیزی است که آن‌ها نمونه‌اش را در اروپا و در غرب داشتند؛ آن نوع از مسیحیت، آن نوع از دین‌داری، آن تعصبات و درعین‌حال، در لابه‌لای همان تعصبات، فسادهای فراوان! خیال کردند که دین از بین رفت و مسئله دین، در دنیا، به کلی حل شد؛ شروع کردند به خیالِ خودشان گوشه و کنارها را درست و مرتّب کردند؛ از آن اعماق و زوایای بشر، بقای دین را از بین بردند.

امروزه، شما ملاحظه می‌کنید که انگیزه دینی، توجه به دین، توجه به معنویت، به‌خصوص توجه به آن بخشِ مشترک و خالص دین، یعنی آن جنبه معنوی و دلدادگی به معنویت، دنیا



را پُر کرده است و روزه‌روز هم، بیشتر می‌شود.

البته در جاهایی، متأسفانه، چون پایه‌های فکری و دینی درستی ندارند، این احساس عرفانی، یک احساس سطحی است که اگر پایه درست اعتقادی و فکری آن‌چنانی که در اسلام وجود دارد، با آن همراه شود، یک احساس فوق‌العاده ذی‌قیمت و والاست.^۱

۲-۴ خرافه‌گرایی بعد از غدیر خُم: مسئله غدیر یک مسئله تاریخی صرف نیست؛ نشانه‌ای از جامعیت اسلام است. اگر نبی مکرم ﷺ که در طول ده سال، یک جامعه بدوی آلوده به تعصبات و خرافات را با آن مجاهدت‌های عظیمی که آن بزرگوار انجام داد و به کمک اصحاب باوفایش به یک جامعه مترقی اسلامی تبدیل کرد، برای بعد از این ده



سال، فکری نکرده بود و نقشه‌ای در اختیار امت نگذاشته بود، این کار ناتمام بود. رسوبات تعصبات جاهلی به‌قدری عمیق بود که شاید برای زدودن آن‌ها، سال‌های بسیار طولانی نیاز بود. ظواهر، خوب بود. ایمان مردم، ایمان خوبی بود؛ البته همه در یک سطح نبودند، زیرا بعضی در زمان وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یک سال بود، شش ماه بود، دو سال بود که اسلام آورده بودند؛ آن‌هم هیمنه قدرت نظامی پیغمبر صلی الله علیه و آله همراه با جاذبه‌های اسلام، این‌ها را به اسلام کشانده بود. همه که جزو آن مسلمانان عمیق دوران اول نبودند. برای پاک کردن رسوبات جاهلی از اعماق این جامعه و مستقیم نگه داشتن خط هدایت اسلامی بعد از ده سال زمان حیات پیغمبر صلی الله علیه و آله، تدبیری لازم بود. اگر این تدبیر انجام نمی‌شد، کار ناتمام بود.

اینکه در سوره مائده، می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾^۱، تصریح به



همین معناست که این نعمت، [یعنی] نعمت اسلام، نعمت هدایت، نعمت نشان دادنِ صراطِ مستقیم به جامعه بشریت، آن‌وقتی تمام و کامل می‌شد که نقشه راه برای بعد از پیغمبر ﷺ هم معین باشد. این یک امر طبیعی است.

این کار را پیغمبر ﷺ در غدیر انجام دادند: امیرالمؤمنین علیه السلام را که از لحاظ شخصیت، چه شخصیت ایمانی، چه شخصیت اخلاقی، چه شخصیت انقلابی و نظامی و چه شخصیت رفتاری با قشرهای مختلف افراد، فردی ممتاز و منحصر به فرد بود، منصوب کرده و مردم را به تبعیت از او موظف کردند. این هم فکر پیغمبر ﷺ نبود: این، هدایت الهی بود، دستور الهی بود، نصب الهی بود؛ مثل بقیه سخنان و هدایت‌های نبی مکرم ﷺ که همه، الهام الهی بود. این دستور صریح پروردگار عز و جل به پیغمبر اکرم ﷺ بود؛ پیغمبر اکرم ﷺ هم این دستور را عمل کردند.

مسئله غدیر این است؛ یعنی نشان‌دهنده جامعیت اسلام و نگاه به آینده و آن چیزی که در هدایت و زعامت امت اسلامی شرط است. آن چیست؟ همان چیزهایی که شخصیت



امیرالمؤمنین علیه السلام، مظهر آن‌هاست: یعنی تقوا، تدبیر، پایبندی مطلق به دین، ملاحظه غیر خدا و غیر راه حق را نکردن، بی‌پروا در راه خدا حرکت کردن، برخورداری از علم، برخورداری از عقل و تدبیر و برخورداری از قدرت عزم و اراده.

این یک عمل واقعی و درعین حال، نمادین است. امیرالمؤمنین علیه السلام را با همین خصوصیات نصب کردند؛ درعین حال، این نماد زعامت امت اسلامی در طول عمر اسلام، هرچه که بشود، همین عمل است؛ یعنی نماد زعامت و رهبری اسلام در طول زمان همین است، همان چیزی که در انتخاب الهی امیرالمؤمنین علیه السلام تحقق پیدا کرد. غدیر، یک چنین حقیقتی است.^۱



۳. خرافه‌زدایی در آینه قرآن و عترت



۱-۳ قرآن کریم و مبارزه با خرافه: ما خیال می‌کنیم اگر با یک مطلبی که مورد عقیده مردم است، ولی... خلاف واقع است، مقاومت کنیم، برخلاف شأن روحانی عمل کرده‌ایم. نه! شأن روحانی این است. همین آیه ﴿الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ، وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ، وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾^۱ برای چه چیزی است؟ این آیه مربوط به مبارزه با خرافه است.

﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ﴾^۲ این مربوط به قضیه زید است؛ ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ﴾^۳ راجع به یک خرافه است: زید زینب را طلاق داد، پیامبر ﷺ زنِ پسرخوانده خود را خواستگاری کرد یا گرفت و این، درحالی بود که زنِ پسرخوانده را مثل زنِ فرزند می‌دانستند: خرافه‌ای بر حسب سنت‌های قدیم جاهلی. مسلمان‌ها هم در همان

۱. احزاب/۳۹.

۲. احزاب/۳۷.

۳. همان.



فکرها بودند که زنِ پسرخوانده را نمی‌توان گرفت. پیغمبر ﷺ زنِ پسرخوانده خودش را گرفت. اینکه می‌گوید: ﴿الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ﴾ در این قضیه وارد شده است. مبارزه با خرافه آن قدر مهم است. در مبارزه با خرافات، شجاع باشید.

۲-۳ پیامبر اکرم ﷺ و مبارزه با خرافه: این مولود مبارک و این پیام‌آور الهی، برای نجات بشریت پا به عرصه وجود گذاشت. اینکه در آثار و تواریخ هست که کنگره کاخ کسری شکست و نشانه‌های بت‌پرستی و شرک، در گوشه و کنار دنیا، متزلزل شد، اگر این آثار قطعیت داشته باشد، شاید همان قدرت‌نمایی الهی است، برای اعلام رمزی حضور این قدرتی که قرار است همه پایه‌های ظلم و فساد را در هم بشکند و علم را از خرافه و تمدن را از فساد و ظلم، پاک و آراسته کند. این کار را پیغمبر بزرگوار ما کرد.

این مولود مقدس، در هنگام بعثت بزرگ خود، با چنان دنیایی [خرافه‌زده] روبه‌رو شد و با جهادی بسیار دشوار، انسانیت را از جهل، از خرافات، از فساد، از ظلم، از تعصبات



دودمان‌برانداز، از زورگوییِ انسان‌ها به یکدیگر و ستم انسان‌ها و سوارشدنِ آن‌ها بر دوش یکدیگر، [رهانید و از آن امور] جلوگیری کرد. اصلاً بساط بشریت را دگرگون کرد.^۱

۳-۳ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و مبارزه با خرافه: این، آن علی درخشان تاریخ است: خورشیدی که قرن‌ها درخشیده و روزبه‌روز درخشان‌تر شده است. این بزرگوار، هر جا که گوهر انسانی وجودش لازم بود، حضور داشت؛ ولو هیچ‌کس نبود. می‌فرمود: «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ». (= اگر در اقلیت‌اید و همه یا اکثریت مردم دنیا با شما بدند و راهتان را قبول ندارند، وحشت نکنید و از راه برنگردید).

وقتی راه درست را تشخیص دادید، با همه وجود آن‌را بپیمایید. این منطق امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ منطقی شجاعانه که آن‌را در زندگی خود به کار بست. در حکومت خود هم که کمتر از



پنج سال طول کشید، باز، همین منطق امیرالمؤمنین علیه السلام وجود داشت. هر چه نگاه می‌کنید، شجاعت است.

از روز دوم بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، این بزرگوار دربارهٔ اموالی که قبل از ایشان به این‌و آن داده شده بود، فرمود: «وَاللّٰهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النِّسَاءَ وَ مَلَکَ بِهِنَّ الْأَمْوَاءُ...» (= به خدا اگر ببینم املاکی را که قبل از من، به ناحق، کسانی به شما داده‌اند و مهریهٔ زنانتان قرار داده‌اید یا با پول فروش آن، کنیز خریده‌اید، ملاحظه نمی‌کنم و همهٔ آن‌ها را برمی‌گردانم).

آن‌گاه شروع به اقدام کرد و آن دشمنی‌ها به وجود آمد. شجاعت، از این بالاتر؟ در مقابل لجوج‌ترین افراد، شجاعانه ایستاد. در مقابل کسانی که در جامعهٔ اسلامی نام‌ونشانی داشتند، شجاعانه ایستاد. در مقابل ثروت انباشته‌شده در شام که می‌توانست ده‌ها هزار سرباز جنگجو را در مقابل او به صف‌آرایی وادار کند، شجاعانه ایستاد. وقتی راه خدا را تشخیص داد، ملاحظهٔ احدی را نکرد. این شجاعت است. در مقابل خویشاوندان خود نیز ملاحظه نکرد.



گفتن این حرف‌ها آسان است؛ اما عمل کردن به آن‌ها بسیار سخت و عظیم است. زمانی، ما این مطالب را به‌عنوان سرمشق‌های زندگی علی‌علیه بیان می‌کردیم و باید حقیقت قضیه را اعتراف کنم که درست به عمق این مطلب پی نمی‌بردیم. اما امروز که وظیفه حسّاس اداره جامعه اسلامی در دست امثال بنده است و با این مطالب آشناییم، می‌فهمیم که چقدر علی‌علیه بزرگ بوده است.

عزیزان من، برادران و خواهران نمازگزار مؤمن، اگرچه این مطالب را من بیشتر برای خودم و برای کسانی که دستی در کارها دارند و مثل خودِ ما، دوششان زیر بار بخشی از اداره جامعه اسلامی است، می‌گویم؛ اما، مربوط به همه است و فقط مربوط به قشر یا جماعت خاصی نیست. امیرالمؤمنینی که توانست کاری کند که میلیون‌ها انسان، اسلام و حقیقت را به‌برکت شخصیت او بشناسند، این‌گونه زندگی کرد.

امیرالمؤمنینی که نزدیک به صد سال بر روی منبرها، او را لعن و همه جای دنیای اسلام،



علیه او بدگویی کردند؛ آن یگانه‌ای که هزاران حدیث جعلی علیه او و حرف‌هایش ساختند و به بازار افکار عرضه کردند؛ چنین بود که توانست بعد از گذشت این سال‌های طولانی، خود را از زیر بار اوهام و خرافات بیرون آورد و قامت رسایش را در مقابل تاریخ، نگه دارد. گوهری مثل علی است که می‌ماند. خار و خاشاک و زباله و گل‌ولای، او را آلوده نمی‌کند و جوهرش را نمی‌کاهد. اگر قطعه‌ای الماس را در گل هم بیندازند، الماس است و بالاخره، خود را نشان خواهد داد. باید این چنین جوهر پیدا کرد هر فرد مسلمانی باید این مشعل عظیم را بر بالای قلّه حیات ببیند و به سمت آن حرکت کند.^۱



۴. انواع اصلی خرافه‌گرایی



۴-۱ خرافه‌گرایی در ایام محرم و عزاداری‌ها

۴-۱-۱ خرافه قفل‌زدن به بدن: بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه‌چهار سال اخیر، برخی کارها در ارتباط با مراسم عزاداری ماه محرم دیده شده است که دست‌هایی به غلط، آن‌را در جامعه ما ترویج کرده‌اند. کارهایی را باب می‌کنند و رواج می‌دهند که هر کس ناظر آن باشد، برایش سؤال به‌وجود می‌آید.

برای مثال، در قدیم‌الایام، بین طبقه عوام‌الناس معمول بود که در روزهای عزاداری، به بدن خودشان قفل می‌زدند. البته پس از مدتی، بزرگان و علما آن‌را منع کردند و این رسم غلط بر افتاد. اما باز، مجدداً شروع به ترویج این رسم کرده‌اند و شنیدم که بعضی افراد، در گوشه و کنار این کشور، به بدن خودشان قفل می‌زنند. این چه کار غلطی است که بعضی



افراد انجام می‌دهند؟!^۱

۲-۱-۴ خرافات در روضه‌خوانی: عاشورا و ماجرای حسین بن علی علیه السلام باید در منبر، به شکل سنتی، روضه‌خوانی شود؛ اما نه برای سنت‌گرایی، بلکه از طریق واقعه‌خوانی: یعنی اینکه شب عاشورا این‌طور شد، روز عاشورا این‌طور شد، صبح عاشورا این‌طور شد.

شما ببینید، یک حادثه بزرگ به‌مرور از بین می‌رود؛ اما حادثه عاشورا، به‌برکت همین خواندن‌ها، با جزئیاتش باقی مانده است. فلان کس این‌طوری آمد با امام حسین علیه السلام وداع کرد؛ این‌طوری رفت به میدان؛ این‌طوری جنگید؛ این‌طوری شهید شد و این کلمات را بر زبان جاری کرد.

واقعه‌خوانی، تا حدّ ممکن، باید مُتَقَن باشد. مثلاً، در حدود لُهو ف ابن طاووس و ارشاد



مفید و امثال این‌ها، و نه چیزهای مَن‌درآوردی، واقعه‌خوانی و روضه‌خوانی شود. در خلال روضه‌خوانی، سخنرانی، مداحی، شعرهای مصیبت، خواندنِ نوحه، سینه‌زنی و در خلال سخنرانی‌های آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین علیه‌السلام، یعنی همان هدفی که در کلمات خودِ آن بزرگوار هست که «وَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى» بیان شود. این، یک سرفصل است.

عباراتی از قبیل: «إِيَّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ، نَاكَثًا عَهْدَهُ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْأَثَمِ وَالْعَدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِفَعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ»^۱

۱. (= هان! ای مردم، پیامبر خدا فرمود: هر کس زمامدارِ بیدادپیشه و قانون‌شکنی را نظاره کند که حرام خدا را حلال و روا می‌سازد و عهد و پیمان او را می‌شکند و با سبک و روش عادلانه و بشردوستانه پیامبر خدا مخالفت می‌ورزد... و با این وصف، در برابر آن عنصرِ خودکامه و قانون‌گریز، با گفتار و عملکردش به مخالفت برخیزد و در راه اصلاح جامعه و حکومت، خود را به هر آب و آتش نزنند، بر خداست که او را از همان راهی که آن بیدادپیشه را به دوزخ درمی‌آورد، به دوزخ درآورد.)



و «مَنْ كَانَ فِينَا بَازِلًا مُهْجَتُهُ، مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا»^۱ هر کدام، سرفصل یک درس هستند. بحث [در اینجا] لقاءالله و ملاقات با خداست.

هدف آفرینش بشر و هدف «اِنَّكَ كَادِحٌ اِلَى رِبِّكَ كُدْحًا»^۲ [یعنی هدف] همه این تلاش‌ها و زحمات‌ها، این است که «فَمُلَاقِيهِ» [یعنی] ملاقات کند. اگر کسی موطن در لقاءالله است و بر لقاءالله توطینِ نفس کرده است، «فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا»، باید با حسین علیه السلام راه بیفتد. نمی‌شود توی خانه نشست، نمی‌شود به دنیا و تمتعات دنیا چسبید و از راه حسین علیه السلام غافل شد. باید راه بیفتیم: این راه‌افتادن از درون و از نفس ما، با تهذیب‌نفس شروع می‌شود و به وسط جامعه و جهان می‌کشد. این‌ها باید [در سخنرانی‌ها] بیان شود.

این‌ها هدف‌های امام حسین علیه السلام است. این‌ها خلاصه‌گیری‌ها و جمع‌بندی‌های نهضت

۱. (= هر کس حاضر است در راه این قیام مقدس خون خویش را نثار کند، و آماده ملاقات با خداست، با ما حرکت کند).

۲. (= حَقًّا که تو به‌سوی پروردگار خود به‌سختی در تلاشی). انشقاق/۶.



حسینی است. جمع‌بندی نهضت حسینی این است که یک روز، امام حسین علیه السلام در حالی که همه دنیا در زیر سیطرهٔ ظلماتِ ظلم و جور پوشیده بود و هیچ کس جرأت نداشت حقیقت را بیان کند [و] فضا و زمین و زمان، سیاهِ ظلمانی بود، قیام کرد.

شما نگاه کنید، ببینید: ابن عباس با امام حسین علیه السلام نیامد. عبدالله بن جعفر با امام حسین علیه السلام نیامد. عزیزان من! معنای این، چیست؟ این نشان نمی‌دهد که دنیا در چه وضعی بود؟ در چنین وضعیتی، امام حسین علیه السلام تک‌وتنها بود. البته چند ده نفری دور و برِ آن حضرت ماندند؛ اما اگر نمی‌ماندند هم، آن حضرت می‌ایستاد. مگر غیر از این است؟ فرض کنیم شب عاشورا، وقتی حضرت فرمود که «من بیعتم را برداشتم... بروید»، همه می‌رفتند؛ ابوالفضل و علی اکبر هم می‌رفتند و حضرت تنها می‌ماند. روز عاشورا چه می‌شد؟ حضرت برمی‌گشت؟! یا می‌ایستاد و می‌جنگید؟

در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت: «اگر من تنها بمانم و همه دنیا در مقابل من باشند،



از راهم برنمی‌گردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت. «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ.»^۱ لقلقهٔ زبان را که خوب، همه داریم. دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همهٔ ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع [خواهد بود] و زمینهٔ ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد. باید این مفهوم برای مردم بیان شود. فراموش نکنید که هدف امام حسین علیه السلام بیان شود.

حالا ممکن است انسان یک حدیث اخلاقی هم، به فرض، بخواند یا سیاست کشور یا دنیا را تشریح کند. این‌ها لازم است؛ اما در خلال سخن، حتماً طوری صحبت شود که تصریحاً، تلویحاً، مستقلاً و ضمناً، ماجرای عاشورا تبیین شود و مکتوم و مخفی نماند.

مطلب دوم اینکه از این فرصت استفاده شود و همان‌طور که خود حسین بن علی علیه السلام

۱. (= به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند.) احزاب/۲۳.



به برکت جهادش، اسلام را زنده کرد، (اسلام، در حقیقت، زنده‌شده و آزادشده خون و قیام حسین بن علی علیه السلام است)، امروز هم شما به‌انگیزه یاد و نام و منبرِ آن بزرگوار، حقایق اسلامی را بیان کنید: قرآن و حدیث را معرفی کنید؛ نهج‌البلاغه را برای مردم بخوانید؛ حقایق اسلامی، از جمله همین حقیقت مبارکی را که امروز در حکومت حق، یعنی نظام علوی، ولایی و نبوی جمهوری اسلامی تجسّد پیدا کرده است، برای مردم بیان کنید. این، جزو بالاترین معارف اسلامی است. خیال نکنند که می‌شود اسلام را تبیین کرد و از حاکمیت اسلام که امروزه در این مرزوبوم متجسّد شده است، غافل ماند و آن را مغفول^۱ عنه گذاشت. این توصیه ما به شما عزیزان است.

بحمدالله، همه برکات در وجود آقایان محترم، بزرگان، به‌خصوص طلاب جوانِ پُرشور، مؤمن و فاضل وجود دارد. در روز اول هم که همین طبقه، این نهضت را گسترش دادند و با استفاده از آن حدیث شریف، اصحابِ شأن را به نحل شبیه کردند، این آیه در مقابل چشم

انسان مجسم می‌شد که ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ؛ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ﴾^۱ حقایق را می‌مکیدند و عسل ناب را به تشنگان حقیقت می‌دادند که «فیه شفاءٌ للنَّاسِ».

امروز هم، همین است: امروز هم طلاب، فضلا و مبلّغین جوان، با بهره‌گیری از تجربه‌های اساتید و بزرگان این فنون، کوله‌بار خودشان را محکم کنند و به امید خدا، برای خدا، در راه خدا و با قصد قربت، بروند و این حقایق را در همه‌جای کشور، در اقطار این کشور و در اقطار عالم، با زبان مناسب، بیان کنند.^۲

۱. (= و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام‌گریزی] کرد که از پاره‌ای کوه‌ها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته‌سازی] می‌کنند، خانه‌هایی برای خود درست کن؛ سپس، از همه میوه‌ها بخور و راه‌های پروردگارت را فرمان‌بردارانه، بپوی.) نحل ۶۸ و ۶۹.

۲. ۷۳/۳/۱۷.



۳-۱-۴ خرافهٔ قمه‌زنی: قمه‌زدن هم، از کارهای خلاف است. می‌دانم، عده‌ای خواهند گفت: «حق این بود که فلانی اسم قمه را نمی‌آورد.» خواهند گفت: «شما به قمه‌زدن چه کار داشتید؟ عده‌ای می‌زنند؛ بگذارید بزنند.» نه! نمی‌شود در مقابل این کار غلط، سکوت کرد. این خطر بزرگی است در عالم دین و معارف دینی؛ مرزداران عقیده باید متوجهش باشند. عرض کردم عده‌ای وقتی این حرف را بشنوند، مطمئناً از روی دلسوزی خواهند گفت: «خوب بود فلانی این حرف را امروز نمی‌زد.» نه؛ من بایستی این حرف را می‌زدم. بنده مسئولیتم بیشتر از دیگران است؛ البته آقایان هم باید بزنند؛ شما آقایان هم باید بگویید.

اگر به‌گونه‌ای که طی چهارپنج سال اخیر، بعد از جنگ، قمه‌زدن را ترویج کردند و هنوز هم می‌کنند، در زمان حیات مبارک امام علیه السلام ترویج می‌کردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه می‌ایستادند. کار غلطی است که عده‌ای قمه به‌دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می‌کنند که چه بشود؟ کجای این حرکت، عزاداری است؟!



البته، دست بر سر زدن، به‌نوعی نشانهٔ عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می‌آید، بر سر و سینهٔ خود می‌کوبند. این نشانهٔ عزاداری معمولی است. اما شما تابه‌حال، کجا دیده‌اید که فردی به‌سببِ مصیبتِ عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سرِ خود، خون جاری کند! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه‌زدن، سنتی جعلی است؛ از اموری است که مربوط به دین نیست و بی‌شک، خدا هم از انجام‌دادنِ آن راضی نیست. من حقیقتاً هر چه فکر کردم، دیدم نمی‌توانم این مطلب، قمه‌زدن، را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به‌اطلاع مردم عزیزمان نرسانم... این کار را نکنند. بنده راضی نیستم.

اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواهد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی‌ام. این‌را من جداً عرض می‌کنم. یک‌وقت بود در گوشه‌وکنار، چند نفر دورِ هم جمع می‌شدند و دور از اَنظار عمومی، مبادرت به قمه‌زنی می‌کردند و کارشان، تظاهر، به



این معنا که امروز هست، نبود. کسی هم به خوب و بدِ عملشان کار نداشت؛ چراکه در دایرهٔ محدودی انجام می‌شد.

اما یک‌وقت بناست که چند هزار نفر، ناگهان، در خیابانی از خیابان‌های تهران یا قم یا شهرهای آذربایجان یا شهرهای خراسان، ظاهر شوند و با قمه و شمشیر، بر سرِ خودشان ضربه وارد کنند. این کار، قطعاً خلاف است. امام حسین علیه‌السلام به این معنا راضی نیست. من نمی‌دانم کدام سلیقه‌هایی و از کجا، این بدعت‌های عجیب و خلاف را وارد جوامع اسلامی و جامعهٔ انقلابی مامی کنند.^۱

۲-۴ خرافه‌گرایی در زیارت معصومین علیهم‌السلام

اخيراً، یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوسِ دیگر هم در باب زیارت، درست کرده‌اند! بدین ترتیب که وقتی می‌خواهند قبور مطهر ائمه علیهم‌السلام را زیارت کنند، از درِ صحن که وارد می‌شوند، روی زمین می‌خوابند و سینه‌خیز خود را به حرم می‌رسانند! شما می‌دانید که قبر مطهر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قبور مطهر امام حسین علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام، موسی بن جعفر علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام و بقیه ائمه علیهم‌السلام را همه مردم، همچنین علما و فقهای بزرگ در مدینه و عراق و ایران، زیارت می‌کردند. آیا هرگز شنیده‌اید که یک نفر از ائمه علیهم‌السلام یا علما، وقتی می‌خواستند زیارت کنند، خود را از درِ صحن، به‌طور سینه‌خیز به حرم برسانند؟! اگر این کار، مستحسن و مستحب بود و مقبول و خوب می‌نمود، بزرگان ما به انجامش مُبادرت می‌کردند؛ اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی رحمته‌الله، آن عالم بزرگ و مجتهد



قوی و عمیق و روشن‌فکر، عتبه‌بوسی را با اینکه شاید مستحب باشد، منع می‌کرد. احتمالاً، استحباب بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست. به ذهنم این است که برای عتبه‌بوسی، روایت هم وجود دارد. با اینکه این کار مستحب است، ایشان می‌گفتند: «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می‌کنیم.» اما امروز، وقتی عده‌ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌شوند، خود را به زمین می‌اندازند و دویست متر راه را به‌طور سینه‌خیز می‌پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کارِ درستی است؟! نه؛ این کار، غلط است. اصلاً اهانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت‌هایی را بین مردم رواج می‌دهد؟ نکند این هم کار دشمن باشد؟! این‌ها را به مردم بگویید و ذهن‌ها را روشن کنید.^۱

۵. آثار مخرب خرافه‌گرایی





۵-۱ خرافه‌گرایی و ترویج سنت‌های غلط: در دوران حاکمیت اسلام، وجود خرافات و زواید اسلام پذیرفتنی نیست؛ بنابراین، برادران عرب، بختیاری و لر هر کدام باید عادات و روش‌های غلط گذشته را درباره زنان کنار بگذارند تا خواهران ما در خوزستان بتوانند در میدان‌های اجتماعی وارد شوند و تحصیل علم و معرفت کنند.

۵-۲ خرافه‌گرایی و ترویج اسلام امریکایی: اسلام امریکایی، اسلام متحجرانه و آمیخته به خرافات یا اسلام تطبیق داده‌شده با اصول امریکایی و مدنظر غربی‌هاست و امت اسلامی تنها با تمسک به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم که اسلام توحید و وحدت مسلمانان و اسلام ایستادگی در مقابل مستکبران است، آینده‌ای روشن و درخشان خواهد داشت.^۱

۵-۳ خرافه‌گرایی؛ سدّ راه سازندگی جامعه: با تنبلی، بی‌حالی، اظهار ذلت،



ضعف و ناتوانی و پایبندی به خرافات و بی‌اعتنایی به ارزش‌های والای اسلامی، نمی‌توان یک کشور را بر طبق خواسته خداوند و فرهنگ قرآنی تجدید بنا کرد؛ ولی، خدا را شکرگزاریم که امکانات فراوان طبیعی، زمین‌های حاصل‌خیز، آب و هوای مناسب، استعدادهای انسانی و طبیعی و هدایت صحیح مسئولان، این امکان را فراهم کرده است که ملت ایران بتواند عقب‌افتادگی‌های ناشی از دوران سیاه حاکمیت ستمشاهی بر این کشور را جبران کند و این‌همه، در خور تمجید و ستایش است.

۴-۵ خرافه‌گرایی و جدال با دین استدلالی: هر ذهن سالم صحیح و اهل فهم و استدلال که در مقابل منطق اسلام قرار گیرد، تسلیم و خاضع می‌شود و امروزه، با وجود مخالفت‌ها و مبارزاتی که با هر وسیله ممکن، علیه اسلام ناب در جریان است، دین مبین اسلام به سبب اتّکای آن به منطق و استدلال، در امریکا، افریقا و شرق دور، رو به توسعه و گسترش است.



بنابراین، اسلام در بطن خود، عقاید و احکامی دارد که هر انسان سلیم‌الطبعی را جذب و به خود، معتقد می‌کند.

هر جا که خرافات به‌نام دین به‌میان بیاید، دینِ خالص بدنাম خواهد شد و کسانی که خرافات را به‌نام اسلام بیان کنند، بزرگ‌ترین دشمنی را با دین خدا ابراز کرده‌اند و بر همین اساس، علما و متفکرینِ دینی و عشاقِ گسترش دین مبین اسلام، باید توجه کنند که اسلام و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام همیشه با منطق و استدلال همراه است.

۵-۵ خرافه‌گرایی و طغیان سیاسی جهان: جهل، عادات زشت، خلیات بد، فتنه‌های میان جوامع مختلف، ظلم و طغیان و نیز خرافاتِ حاکم بر اذهان بشر که موجب انحراف انسان‌ها از راه مستقیم می‌شود، ظلماتی هستند که اسلام و پیام بعثت، انسان‌ها را از همه این ظلمات، خارج و به نوری که در مقابلِ آن است، هدایت و دلالت می‌کند و این همان مفهومی است که در آیات متعدد قرآن کریم، به‌عنوان تحول در زندگی انسان‌ها از لحاظ فردی و اجتماعی



و هدف‌گیری، مورد تأکید قرار گرفته است.

گرفتاری‌های امروز بشر و طغیان‌های سیاسی جهان، به ریشه‌های اخلاقی و نیز جهالتِ توده‌های مردم مربوط می‌شود و این چیزی است که تنها، اسلام قادر به برطرف کردنِ آن است.^۱ ۵-۶ خرافه‌گرایی و گرفتاریِ ملت اسلام: اسلام به ملت‌ها استقلال و آزادی می‌دهد: هم آزادی در محیطِ زندگیِ خودشان، آزادی از قدرت‌های دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالت‌ها، آزادی از تعصّب‌های جاهلانه و کج‌فکری‌ها و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسیِ استکبار. اسلام به ملت‌ها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد.

آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مدنظر اسلام نیست. آن



نسخه اقتصادی که امروز، کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمتِ ضعیف‌شدن و فقیرشدن و زیر فشار قرارگرفتنِ طبقاتی از جامعه تمام می‌شود، این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مُواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به دست می‌آید.

امروز، گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرت‌های مُسیطِر و مستکبری است که از آن‌سوی دنیا بر ملت‌های مسلمان حکم می‌رانند؛ در زندگیِ آن‌ها دخالت می‌کنند؛ آن‌ها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه می‌دارند و از ثروت‌های آن‌ها به شکل نامشروعی استفاده می‌کنند.

نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن حیثیت انسانی، عقب‌ماندگی علمی و عقب‌ماندگی در شئون زندگی، از دیگر گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان است. همه این



گرفتاری‌ها به برکتِ بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام و به برکت حاکمیت اسلام
برطرف می‌شود.^۱

۶. ادعاهای شرم آور



البته، مثل همه حقایقی که در برهه‌های مختلفی از زمان، ملعبه دست سودجویان می‌شود، این حقیقت هم گاهی ملعبه دست سودجویان می‌شود؛ این کسانی که ادعاهای خلاف واقع می‌کنند: ادعای رؤیت، ادعای تشرف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز و... که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، این‌ها همان پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسان‌های پاک‌نهاد، ممکن است مَشَوَّب کند. نباید گذاشت... همه آحاد مردم توجه داشته باشند که این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشرف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ‌کدام تصدیق‌کردنی نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسان‌های با ارزشی که یک لحظه عمر آن‌ها ارزش دارد به روزها و ماه‌ها و سال‌های عمر امثال ما، چنین ادعاهایی نکردند. ممکن است انسان سعادت‌مندی، چشمش و دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسی، اهل ادعا نیست؛ اهل گفتن نیست؛ اهل دکان‌داری نیست. این کسانی که به این وسیله



۵۳

دام خرافات و راه‌رهایی از آن

دگان‌داری می‌کنند، می‌توان به‌طور قطع و یقین گفت که این‌ها دروغ‌گو هستند؛ مُفْتَری هستند. این عقیده روشن و تابناک را بایستی از این آفتِ اعتقادی دور نگه داشت.^۱



۷. خرافه‌زدایی در تاریخ شیعه



۷-۱ متکلمین و خرافه‌زدایی: دین، منطقی است؛ اسلام، منطقی است و منطقی‌ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد: تفسیری قوی. متکلمین شیعه، هر یک در زمان خود، مثل خورشید تابناکی می‌درخشیدند و کسی نمی‌توانست به آن‌ها بگوید: «شما منطقتان ضعیف است.»

این متکلمین چه از زمان ائمه علیهم‌السلام، مثل مؤمن طاق و هشام بن حکم، چه بعد از ائمه علیهم‌السلام، مثل بنی‌نوبخت و شیخ مفید و چه در زمان‌های بعد، مثل مرحوم علامه حلی، فراوان بوده‌اند. ما اهل منطق و استدلالیم. شما ببینید، درباره‌ی مباحث مربوط به شیعه، چه کتب استدلالی قوی‌ای نوشته شده است: کتاب‌های مرحوم علامه حلی فراوان بوده‌اند؛ کتاب‌های مرحوم شرف‌الدین و نیز الغدیر مرحوم علامه‌امینی در زمان ما، سر تا پا مستدل، بتون‌آرمه و مستحکم است.

تشیع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد، بلکه «اشبهُ شیءٍ بِالْخُرَافَةِ»



است؟ چرا این‌ها را وارد می‌کنند؟^۱

۷-۲ روش علمای سلف در مبارزه با خرافه‌گرایی: در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل اسلام ناب، باید با خرافه مبارزه کرد. روزبه‌روز، کسانی دارند خرافات جدیدی وارد جامعه ما می‌کنند؛ مبارزه با خرافه را جدی بگیرید. این روش علمای ما بوده است.

مرحوم آقا جمال خوانساری، محشی شرح لمعه، عالم بزرگ، پسر مرحوم آقا حسین خوانساری که از علما و شایستگان تاریخ روحانیت شیعه‌اند، ۳۰۰ سال پیش برای اینکه خرافات را برملا کند، کتاب کلثوم‌ننه را نوشت. الان هست؛ اخیراً، چاپ شده است. با زبان طنز، معروف‌ترین خرافات زمان خویش را در آورده و به زبان زنان می‌گوید: زنان پنج فقیه بزرگ دارند: یکی کلثوم‌ننه است، یکی بی‌بی‌شاه‌زینب است، یکی دده بزم‌آراست... از قول



این‌ها، نقل می‌کند درباب مَحَرَم و نامَحَرَم، درباب طهارت و نجاست، درباب انواع و اقسام چیزها، یعنی عالم دینی می‌پردازد به این چیزها.^۱

۳-۷ امام خمینی رحمه الله و خرافه‌زدایی از فرهنگ اسلامی: امام بزرگوار، خط‌شکنی بود که هر جا انحرافی در نکته‌ای مشاهده می‌کرد، با قدرت و بدون هیچ ملاحظه‌ای، بیان می‌فرمود. اگر این بدعت‌ها و خلاف‌ها در زمانِ آن بزرگوار می‌بود یا به این رواج می‌رسید، بی‌شک می‌گفت. البته، عده‌ای هم که به این مسائل، دل بسته‌اند، متأذی خواهند شد که چرا فلانی به موضوع موردعلاقه ما، این‌طور بی‌محبتی کرد و با این لحن، از آن یاد نمود. آن‌ها هم البته، اغلب، مردمان مؤمن و بی‌غرضی هستند؛ اما اشتباه می‌کنند.^۲

۴-۷ نقش ممتاز حوزه‌های علمیه شیعه در خرافه‌زدایی: روحانیت آگاه و اصیل باید

۱. ۸۵/۷/۱۸.

۲. ۷۳/۳/۱۷.



بر مبنای سیرهٔ پیامبر ﷺ و روش علمای اسلام، با این‌گونه خرافاتِ خطرناک، شجاعانه و بدون ملاحظهٔ مقابله کند. شیعه با آزادفکری و تکیه بر عقل و منطق و استدلال، رشد کرده است و باید قدرِ این ویژگی را دانست و آن را دنبال کرد.^۱

یکی از مسائل مهم کنونی، جلوگیری از آمیخته‌شدنِ معارف دین با خرافه است که علما و برجستگان باید با تبیینِ صحیح معارف اهل بیت علیهم‌السلام مانع از رسوخ مسائل خرافی شوند.^۲ تقویت ارتباط با مردم، افزایش قدرت فهم و تحلیل سیاسی، حفظ قداست روحانیت، سلامت مالی و اخلاقی، زیّ طلبگی، افزایش مهارت‌های دینی برای پیروزی در میدان پیکارِ جهانیِ اندیشه‌ها و مبارزهٔ شجاعانه با خرافات، از جمله وظایفی است که عمل به آن، موجب

۱. ۸۵/۷/۱۷.

۲. ۸۶/۵/۲۸.



حفظ جایگاه بی‌نظیر روحانیت و استمرار تاریخی آن خواهد شد.^۱

علمای سلف، دستشان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند: «این کار، غلط و خلاف است.» امروز، روز حاکمیت اسلام و روز جلوۀ اسلام است. نباید کاری کنیم که جامعه اسلامی برتر، یعنی جامعه محبّ اهل بیت علیهم‌السلام که به‌نام مقدس ولیّ عصر علیه‌السلام، به‌نام حسین بن علی علیه‌السلام و به‌نام امیرالمؤمنین علیه‌السلام مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، به‌عنوان آدم‌های خرافی بی‌منطق معرفی شوند.

وظیفۀ بزرگی که [شما] آقایان روحانی و علما، در هر بخش و هر جا که هستید، باید برعهده داشته باشید، همان‌هاست که عرض شد. مجلس عزای حسین علیه‌السلام است که باید منشأ معرفت باشد. امیدواریم که خداوند متعال، شما را موفق بدارد. آنچه موجب رضای پروردگار



است، با قدرت، با شجاعت، با تلاش و با جدّ و جهد، پیگیری و بیان کنید و إن شاء الله، وظیفه خودتان را به‌انجام برسانید.^۱

۵-۷ نقش وُغّاظ و عزاداران در خرافه‌زدایی: واقعه کربلا در روز عاشورا، فصل عظیمی از تاریخ ماست و مایه اصلی حرکت و نهضت اسلامی و تفکرات صحیح اسلامی محسوب می‌شود. تفکر انقلابی ما مُستند به جایی بود که سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و این‌گونه، مردم را وارد میدان جهاد فی سبیل الله کرد.

فضلا، گویندگان و خطبا باید حقایق مربوط به حادثه عظیم عاشورا را که پایه اصلی انقلاب ماست، به‌صورتی پیراسته از خرافات و اضافات، برای مردم بیان کنند.^۲ همه عزاداران، از جمله گویندگان، وُغّاظ و مداحان، باید مراقب باشند که شأن و جایگاه این حقیقت عزیز

۱. ۷۳/۳/۱۷.

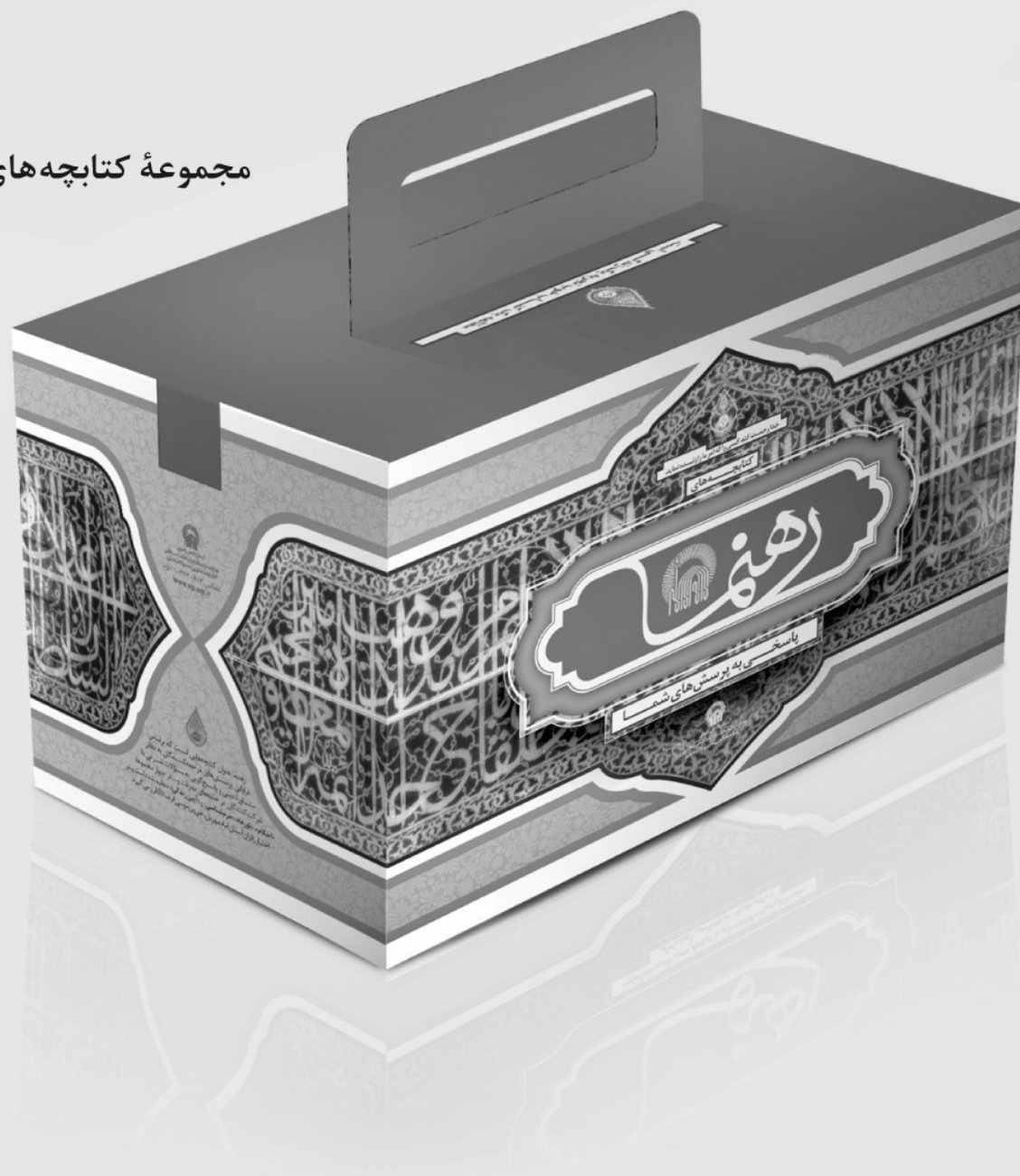
۲. ۷۰/۴/۲۰.



را حفظ کنند و مبادا برخی خرافه‌ها یا کارهای غیرمعقول، موجب ضایع شدن عزاداری امام حسین علیه السلام شود.

مجالس امام حسین علیه السلام باید مجالس ضدّ ظلم، ضدّ سلطه و ضدّ یزیدها، شمرها و ابن‌زیادهای زمان حاضر باشد. جهت‌گیری در عزاداری‌های امام حسین علیه السلام باید به‌سوی تحکیم ایمان و روح تدین در مردم، آگاهی‌بخشی، گسترش روح شجاعت و غیرت دینی و جلوگیری از بی‌تفاوتی مردم باشد و این معنای واقعی بزرگداشتِ قیام امام حسین علیه السلام است. جنبه عاطفی عزاداری امام حسین علیه السلام بر عواطف و احساسات مردم، تأثیرگذار است و جنبه عمقی و معنوی آن، موجب آگاهی‌بخشی به صاحبان فکر و بصیرت است و امام حسین علیه السلام مظهر بصیرت و استقامت بودند.^۱

مجموعه کتابچه های رهنما



نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضه محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.